

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
تلفن مدیر ۷۰۱۰
جای اداره
خیابان رانانل جنب سفارت مصر شماره ۱۰۲
بهای اشتراك
سالیانه ۲۵۰ ریال
شش ماهه ۱۳۰ ریال
سه ماهه ۷۰ ریال
تسليم بهای آگهی با دفتر اداره است
بهای آگهی شماره - یکریال
سال اول - شماره یازدهم



بر علیه هر گونه
استعمار کشور
ایران مبارزه کنید!

ارگان مرکزی حزب توده ایران

پنج شنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۴۱

دراطرفیانیات آقای نخست وزیر مراجعه به آراء عمومی

روز گذشته آقای نخست وزیر ضمن بیان خود در مجلس اشاره بسراجه بارآه عمومی نموده اظهار عقیده نموده «مراجعه آراء عمومی راجع به موضوع بخصوص بلکه کالا - توانی اساسی مملکت دارد و واجب میدانم و متضمن است»
مجلس شورای ملی در خصوص مراجعه آراء عمومی مطالبات لازم بعمل آورده در صورت تصویب برای انتخابات آتی حق مطالعه تجدید نظر را نسبت بقوانین اساسی برای نمایندگان دوره چهاردهم محفوظ و منظور فرمایند تا اگر نواقصی در قوانین مشاهده شود مرتفع گردد و اگر اضافات و تغییراتی ضروری باشد عمل آید.

نظر به اینکه که این اظهار از لحاظ اصول مشروطیت و آزادی دادبر طبق وظیفه خود تنظیم آن میرسد.

این قسمت از بیانات آقای قوام محتوی دو جزء است که از لحاظ ما دارای ارزش متفاوتی هستند و شاید منطقی قبول قسمت اول متافق جزء دوم باشد زیرا آقای نخست وزیر در عین اینکه مراجعه آراء عمومی را ضروری میدانند معتقدند که مجلس باید قانونی تصویب کند که بر طبق آن وکلای دوره چهاردهم بتوانند بعضی از مواد قانون اساسی را حاکم و اصلاح نمایند.

تصرف بیلگر و د و عدله زیادی نقاط مسکونی دیگر

تخلیه گوا دالکانال از طرف فژ این ممکن است از نارویک تا بالکان مورد حمله قرار گیرد

احتمال حمله شوروی بلغارستان

مسکو - اعلامیه ویژه اداره اطلاعات دولت شوروی حاکی است که بیلگر و واقع در بنجاه میلی شال خارکف در کنار راه آهن کورسک (شکین) تصرف نیروی شوروی در آمد این اعلامیه چنین اشعار میدارد روزهم نوبه نیروی تحت فرماندهی ژنرال (موسکالین) پس از زخم خونی شهر بیلگر و ایستگاه آرا تصرف کرد و نیز شهر شکین را اشغال نمود نخستین نیروی کواردر شهر بیلگر و گردیدست های نیروی تحت فرماندهی ژنرال میچکف و ژنرال کوشین زین بود که غنایم بسیار بدست آورده و بعدی را هم اسیر کرد.

مسکو - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس شوروی از ست جنوبی خارکف در راه رسیده است گزارش های اخیر حاکی است که بیلگر و داران نیروی سرخ شصت می واقع در خارکف و شهر رستف واقع است در دست دشمن میباشد خط ارتباطی آلمانها از کوبان پرستف نیز قطع شده و میتوان گفت که تمام شبه جزیره شیک بدست روسها افتاده است.

آنگار - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس سفارتی که از بلغارستان بر تریه

وارد شده اند میگویند آلمانها بیم آن دارند که روسها در کراه بلغارستان پیاده شوند و بهین لحاظ در کرانه آن کشور بویژه در نقطه (پورکاس) تا اوزنا مشغول ساختن استحکامات میباشد.

مسکو - هارل کینگ خبر نگار خبرگزاری انگلیس از مسکو اطلاع میدهد امروز یک راه آهن دیگر که اهمیت حیاتی دارد و بین خارکف و نقاط شمالی روسیه قرار گرفته است مورد تهدید نیروی شوروی که از کورسک بوسیله کیف یشرفت می کند در آمده است یشرفت نیروی شوروی شهر (لف) را که محل قاطع خطوط آهن بین کورسک و کیف و خارکف و بریانسک میباشد تهدید میکند هر گاه لاف به تصرف نیروی شوروی در آید خارکف که ارتباطش از نقطه یشرفتکی ازل قطع گردیده از نیروی کسکی بریانسک محروم میگردد نیروی شوروی که بدست باختر کورسک میرود نقاط یشرفتکی دیگر نیروی سرخ واقع در بنجاه میلی شال کورسک رسیده اند و یشرفتکی نیز ادامه دارد.

نظر به اینکه چندین نقطه مستحکم آلمانها در خارج خط زمستانشان تصرف نیروی شوروی در آمده قشعهای دفاعی محوره کلی بهم خورده است نیروی سرخ در جنوب رستف همچنان مشغول ادامه نابود کردن مراکز منفرد محور میباشد و مقدمات حمله بزرگ نهایی را که باید آن شهر بشود تدارک میکند افراد یکدسته از ارتش فن لیست که در شبه جزیره بیکسک محصور شده بودند بکلی نابود گشته ولی برای آنکه رستف بدست نیروی شوروی افتد رزمیان دشوار و دشواری لازم است در گردید

جنگ کنونی را چگونه تفسیر میکنید؟

«علل و موجبات جنگ - آیا جلوگیری از آن ممکن بود؟ جنگ چگونه پایان خواهد یافت و تأثیر آن در دنیای آتی چه طور نمودار خواهد شد؟»

ظواهر اجتماعی علت و موجبات تأثیر آن تحریف در کلیه شیئون اقتصادی و سیاسی و اجتماعی دنیای پس از آن خواهد شد.

لذا در این مقاله مختصراً خوانندگان را به «دیروز و امروز و فردا» این جنگ که منقلاً رفته بلا انقطاعی در تشکیل میدهد آشنا میسازیم.

یکی از متفکرین بزرگ میگوید: «چنگ ادامه کامل یافته سیاست است که با وسائل دیگری تعبیر میشود» لذا همچنانکه سیاست تابع اقتصاد و باایبارت بقیه در صفحه ۴

دالان بین المللی

در حدود ساعت پنج الی شش سباز ظهر - اگر در حاشیه خیابانهای نادری و اسلامبول قدم بزنید بدست دستسریازان کشورهای مخالف برخورد میکنید که با بفرنی میروند و با بدخل کافه ها و رستورانها و سینماها رفت و آمد میکنند سربازان امریکایی از سفید پوست گرفته تا سیاه پوست - سربازان انگلیسی یا لهستانی و زنان لهستانی در اوینف نظامی - سربازان هندی یا رنگ قهوه باز و سایر با موها و ریشهای بلند و کوتاه - سربازان سرخ از ملیت های مختلف که گناه در بالا پوشهای چرمی زرد یا سیاه رنگ و گاه در بالتهوای خاککی رنگ خود به آرامی و غمخوشی عبور میکنند - سربازان ایرانی با بالتهوای زرد لیبونی تک و نوک سربازان فرانسه آژانس سربازان امریکایی با کلاه و بالا بوش طوسی ...

میشود این دو خیابان بر جمعیت و ادلان بین المللی سربازان با اصولا دالان بین المللی نامید.

اگر انسان کمی بیاندیشد نمیتواند ذهن خود را از این حقیقت نهی کند که دنیا بوضع شکست آوری بهم مربوط یوسته شده یک حادثه در عالم رخ داده است تا بر این حادثه از آسانفراش میلیاردهای امریکایی گرفته تا کلبه و رتن و گدان رومبان افغانی در همه جا نفوذ کرده مانند آنکه در یک شبور اسرار آمیزی بارآه عمومی مراجعه نمود

انبار کشور

توزیع نان از سیلوی تهران وزارت خوار بار از چندی پیش برای ایجاد یک نانوا خانه بزرگ در سیلوی تهران مشغول اقدام بود و ساختن نانوا خانه بزرگی در آنجا هست گماشت اخیراً با مراقبت های کامل اداره مستشاری وزارت خوار بار ساختمان دستکامهای نان پزی سیلوی تهران پایان یابید و پس از آزمایش های کافی از دیروز شروع پیشین نان نمودند فرار اطلاهی که بدست آورده ایم دیروز تعداد هزار نان هشتصد گرمی در نانوا خانه سیلوی تهران تهیه شده و در سه نقطه شهر در دسترس عامه قرار گرفته است اکنون در نظر است که بر عهده محل های فروش افزوده شود و همین طور که هندوچا میزان تهیه نان در سیلو افزایش می یابد از تحویل آورد نانوائی های ملی خود داری نسوده بجای آنها شبه فروش نان ایجاد شود تا در تمام نقاط شهر نان سیلو دسترس اهالی قرار گیرد زیرا اظهار امیدواری میشود که در مدت کمی بکلی نان شهر تهران در سیلو تهیه خواهد شد کانهای نان پزی شهر بتدریج تعطیل میشود نان در سیلو بوزن ۸۰۰ گرمی و ۴۰۰ گرمی و ۲۰۰ گرمی تهیه میشود تا هر کس مطابق کوبنی که در دست دارد نان خود را دریافت کند بطوری که اطلاع حاصل شده آردی را که بکدهای نانوائی تحویل میداده اند همین آردی است که در سیلوی تهران مصرف میشود در صورتیکه نان سیلو بمان نانوائی قابل مقایسه نیست و بهر حال از جهت جنس بهتر میباشد.

بهم حضور در وزارت دارائی آقای دکتر ملبیو بر اثر عارضت کسالت و سرما خوردگی امروز در وزارت دارائی حاضر نشده و طبق تجویز پزشکان دو روز استراحت خواهند نمود.

امور دخانیات و تریاک امور اداره دخانیات و اداره انحصار تریاک از طرف آقای دکتر ملبیو به آقای دکتر آنگلیس واگذار گردیده و ایشان بدست مدیریت کل ادارات دخانیات و تریاک مشغول کار شده اند

در مجلس چه خبر بود

سخنرانی آقای نخست وزیر - «تقدم طرح قانونی ۱۳۰۶ و ارجاع آن کمیسیون - سکوت گذاشتن طرح پیشنهادی مجلس راجع به انتخاب رئیس - بانک ملی - تقاضای نخست وزیر در باره طرح لایحه بشنوت اسکناس با حذف تبصره - نطقهای نمایندگان»

مقامات دولتی معزوم شوند ... اکنون این لایحه پیشنهادی را تقدم می کنم

طرح پیشنهادی دولت مجلس شورای ملی بر خاطر آقایان نمایندگان محترم پوشیده نیست که در مسائلی که تحت حکومت یازدهانی و حکومت مشروطه اداره میشود وظیفه مجلس بوضع قوانین حصر نشده بلکه همکاری مجلس یا دولت از طریق مشارکت نمایندگان در هیئت دولت شرکت در قطع و فصل امور کشور بکلی لزوظایب برجسته مجلس محسوب میشود زیرا آقایان نمایندگان در مجلس شورای ملی و کمیسیون های مربوطه که در حقیقت یک آموزشگاه واقعی برای تهیه مردان معرب و کار آمد بقیه در صفحه ۴

آقای نخست وزیر: «... از آنجا که حکومت ما مشروطه و ملی است و مرکزیت سیاست در مجلس شورای استرقرار دارد بدیهی است که وحدت و اتفاق مطلوب هر قدر در اینجا ظاهر شود سرفش برای تمام افراد مملکت خواهد بود من متقدم که مجلس شورای ملی مطالبات لازم را بعمل آورده و در صورت تصویب برای انتخابات دوره چهارده منظور دارند تا اگر نواقصی در قوانین مشاهده شود مرتفع گردد و اگر اضافاتی یا تغییراتی ضرور باشد بعمل آید یکی از آن قانون مقصوب تیر ماه ۱۳۰۶ است که بدون شک نظریات خصوصی و افراض را از جانب معرک آن گردیده است زیرا هیچ دلیلی نیست که نمایندگان مجلس از تصدی

نخستین گنفر انسب ایالتی

حزب توده ایران - در تهران

۲۱ - (۲)

بقیه از صحبتات
آزادیخواهان ایران متحد شوید!

آزاد بخوانان ایران: با نیروی اتحاد باید برای ریشه کن کردن ارتجاع-عزالدینکاتوری واردادگاهعالی مطیعکه و مجازات نمایندگان کاسیرا که باین آزادی ظاهری هم جدامعارضت موروزمه ازاعطاییکه هنوز از غارت جان ومال ومکیدن خون مردم سیر نشده اند باید نیست و نا بود کنید تا بتوان بایستی در استقرار رژیم دموکراسی حقیقی جدید نمود.

دو مبارزه برای استقرار رژیم آزادی (پیشنهاد فوق تصویب شد) و بجز برای قرائت آراء انتخاب گشتند و پس از تفصیح مختصری آراء روی کاغذ های جداگانه نوشته شد و تسلیم آن بجمع گردید و بدین طریق نمایندگان کیت ابائی و کبیسون تقشش ابائی و نمایندگان کنگره حزبی

آقای علوی: پیشنهاد میکنم که کبیسون برای قرائت آراء انتخاب شود

(پیشنهاد فوق تصویب شد) و بجز برای قرائت آراء انتخاب گشتند و پس از تفصیح مختصری آراء روی کاغذ های جداگانه نوشته شد و تسلیم آن بجمع گردید و بدین طریق نمایندگان کیت ابائی و کبیسون تقشش ابائی و نمایندگان کنگره حزبی

آقای سلیمان اسکندری: بنا بر این در مسائل جاری داخل شوم

در مسائل جاری: موضوعهای مختلفی موردبحث قرار گرفت و کفرانس در محیط صمیمیت خانه یافت - در خانه آقای سلیمان اسکندری بیانات زیر را ایراد کردند

از امروز نمایندگان حوزه های تهران وحومه گردهم جمع شدند و باروسی تزلزل ناپذیر در اولین کفرانس حزبی شرکت جسته نهایت تشکر را باید داشت و من امیدوارم از اینجا که خارج می شوم بیش از پیش در راه آزادی توده ایران کوشش وفداکاری کنیم (م هلهو جوش و خروش حاضر - همه بلند میشوند و تانک از در خارج میگردد)

اولین کفرانس ایالتی حزب توده ایران در تهران بدین ترتیب پایان یافت تقریباً از ساعت ۶ صبح تا ۸ شب طول کشید از فردا مراسم اصلاحی و پیشنهادی که بایستی از تصویب کنگره حزبی بگذرد مبارزه و معالفت نمایند.

حزب توده سعی میکند بواسطه قانونی

تو همان حجره ... من از شنیدن این قضیه بیش از اومتأثر شدم گفتم مگر مدرسه مشیرالسلطنه خادم نداره گفتم چرا داره گفتم مگر غیر از دانشجویان و دانش آموزان دیگران هم آجا زندگی میکنند گفتم چه میبری از هر کسور و کجیل دور افتاده بخواهی آن جانویه داره یکی شیره کش و کپه فروش است توی یک حجره هم بیندوزست یک نفر آخوند هم که از بقایای اوتان عهد چهارم است ولی هنوز قبیل (سبکوار) شده است آنجا دیده میشود گفتم مگر وزارت فرهنگ این مدارس را بدانشجویان تخصصی نداده است گفتم چرا گفتم پس این شیخ و آن کسبه فروش وینه دوز آنجا چه میکنند و بچه اسم حجره گرفته اند گفتم نیدام و این مسئله را باید اول از اوقاف برسید بعد از وزارت فرهنگ سؤال کرد که آیا این مدارس قهوه خانه و مسجد خرابه است که باید هر بی خانمان و عقب مانده آنجا پناه بیابودیا یک مدرسه و جای سکونت و زندگی محصلین است

گنفر راستی جای پرستش است من هم مثل شما در یکی از حشرات همین مدارس بسر میرم این ناجورها را آنجا هم می بینم جسته جسته خیردارم که پس و پیش برده چه غیر است مدرسه ما هم بی شایعته به حیره کشفاه های جنوب شهر نیست بعضی از حشرات از یکمده نیدام یکاره یا یا کاره اند گرفته کارشان فقط ایستنیانند آنجا تریاکشانرا کشتند و مشوی و آوازی

نوی همان حجره ... یک برپوس فشنکی ۱۰۰ یک ساعت شامه یک سرنیک یک ترموز بعضی خرده ریز های دیگر گفتم یکسی و جانی گفتم ای که چنین قضیه ای رخ داده است گفتم آری گفتم ولی چه نتیجه داردملا چه میکنند توهم خیلی صاف و صادفی که از من نبهری یکسی یا جانی گفتم ام تازه گفته باشم جزاین است که یکی دو نفر مطمون و غیر مطمون را دو سه روز اینجا آجا میروند و بیآورند هینکه سروصدای قضیه کمی خوبیه فوراً با آنها ماست مالی کرده و نشان میکنند باز کلام ما پس ممر که است گفتم حق با توست بعد که میرسند تا فریاد من و شمارا بشنوند مخصوصاً برای ما که اصلاحی و اودزی قائل نیستند و ما را جزء بیکار ها و از دسته اول معلولها حساب میکنند گفتم حق با آنها است چرا ما را اینطور نشانند برای اینکه می بیند این دسته از اول زندگی دبستانی تا دوران تحصیل عالی و پس از آن در محیط اجناس عالی کشتن لنگ است راست هم میگویند معیشتی که با پشت ما اندازی و تلق و جابلوسی و زور گویی بشود کاغشها بالا برد ترونها جمع کرد البته وجود امثال ما عاقل و باطل است و غلا این امر بر من و شما معلوم است همین زندگی کردن بنده و شما در این مدارس خراب با این اوضاع کیف و وقت باره که سکهای خانه های شمال شهر اگر تیارانشان کنند یکدم داخل آنها نیکندارد مؤید این مدعا

فلسفی واجتماعی

سخنان بزرگ

« همه چیز در حال تغییر است در یک رود خانه دو بار نمیتوان شنا کرد » (هر اقلیت)

« به از مانده یکتی عقلی نیست در سرتعجب بگردن تنس فرازاست » (ناصر خسرو - سعادت نامه)

« اتقان اهل الارض ذو عقل بلا دین و اخردین لافل لعل » (ابو العلاء مهربی)

« محققاً سلاح اتحاد نمیتواند جانشین اتحاد سلاحا گردد. نیروی مادی را در برابر نیروی مادی واژگون توان کرد. لیکن هر عقیده نظریه متکلمی که در توده مردم نفوذ نمود بنوبه خویش تبدیل نیروی مادی میگردد » (کارل مارکس - رساله اتحاد بر فلسفه حقوق هگل)

زندگی تحصیلی

بخوانند و بروند و بجهانم حجره گرفته اند نیدام مثلا اجاره کرده باشند از کی و آنکی مدرسه که جای اجاره با مستجاره نیست خلاصه اینهم مصالی است گفتم جان من وضع تمام مدارس تهران که اوقاف سقول خود برای سکونت محصلین که از شهرستانها می آیند اختصاص داده هستند است گفتم پس رفیق محصل مادانشجو که روزی شب زنج میبرد باصاف و منز خود فشار وارد می آورد درس میخواند که خود را برای زندگی در یک جامعه مترقی شایسته محاذ با خود تشکیل یک اجتماع روشن فکر و چیز فهم را بدهد گذشته از آنکه باید در مدرسه های پوسیده چند صد ساله در حجره های مرطوب و تاریک که دوازده ماه حتی هفت ماه آفتاب بخوبی از چهار دیوار آفتاب بدون نی آید زندگی کند تازه انجام بکند شیرهای و تریاک و لکدر را بتولین مختلف راه میدهند که مستقیم و غیر مستقیم مزاحم آنان باشند و از درس و بحثشان بیبازمانند سری جنباندهم گفت بلی هینطور است ... گفتم بگو به بنیم چیزهایی که از شما بردند چیست گفت سه بازچه کت و شلوار یک بچه که محتوی لباسهای زبر بود

یک برپوس فشنکی ۱۰۰ یک ساعت شامه یک سرنیک یک ترموز بعضی خرده ریز های دیگر گفتم یکسی و جانی گفتم ای که چنین قضیه ای رخ داده است گفتم آری گفتم ولی چه نتیجه داردملا چه میکنند توهم خیلی صاف و صادفی که از من نبهری یکسی یا جانی گفتم ام تازه گفته باشم جزاین است که یکی دو نفر مطمون و غیر مطمون را دو سه روز اینجا آجا میروند و بیآورند هینکه سروصدای قضیه کمی خوبیه فوراً با آنها ماست مالی کرده و نشان میکنند باز کلام ما پس ممر که است گفتم حق با توست بعد که میرسند تا فریاد من و شمارا بشنوند مخصوصاً برای ما که اصلاحی و اودزی قائل نیستند و ما را جزء بیکار ها و از دسته اول معلولها حساب میکنند گفتم حق با آنها است چرا ما را اینطور نشانند برای اینکه می بیند این دسته از اول زندگی دبستانی تا دوران تحصیل عالی و پس از آن در محیط اجناس عالی کشتن لنگ است راست هم میگویند معیشتی که با پشت ما اندازی و تلق و جابلوسی و زور گویی بشود کاغشها بالا برد ترونها جمع کرد البته وجود امثال ما عاقل و باطل است و غلا این امر بر من و شما معلوم است همین زندگی کردن بنده و شما در این مدارس خراب با این اوضاع کیف و وقت باره که سکهای خانه های شمال شهر اگر تیارانشان کنند یکدم داخل آنها نیکندارد مؤید این مدعا

هنواره در حرکت و طغیان حاکمه و ایده نولوژی آن ها در ادوار تاریخی در تغییر است پس قوانین نیز که محصول فکر و حافظ منافع آن طبقات است و قوه قضائی که ماشین اجراء و اعمال آن مدرج ها است در جریان دائمی می باشد بنا بر این قوانین مانند جابه های رنگارنگ گله تیره و گاه شفاف دور نور ثابت عدالت واقعی را فرا گرفته است

آیا ممکن است قوانینی که بدست اقلیت وضع شده است شفاف و حاکمی عدالت باشد ؟ چه چیز ضمانت میکند که اقلیت واضح قانون علی رغم طبع مشی و منافع خود بکفر منافع توده باشد تاریخ بر ازیان قوانین تیره و تار است قوه قضائی و مدرج های آن بیتی قوانین تابع طبقه حاکمه و تکامل ادوار تاریخی است چه صحنه های جنایت و قوانین جا پراهامی که نام عدالت در تاریخ بشر ظلم و مستوح گردیدند در یونان قدیم بنام همین قوانین تیره و متضخ جام شوکران بدست سقراط بنوان مخالفت با ارباب انواع شهر که آروز مقدس بود داده شده در روم جیم کبیری در صحنه هاتلمه و جوش گرفته شد در قرون وسطی بنام خدا و مسیح از طرف ادارات آنکزیسیون زبانها بریده شد توده ها از افراد بشر زنده زنده با تاش انداخته شد لذت در قرون وسطی محاکمه بین ارباب و رعیت جنگ تن به تن بود که از آن خان سواره و باصلاح و رعیت بیاد و بدون سلاح در مقابل هم قرار میگرفتند پس از آن تم صحتضیح نش آری رعیت بنوان محکوم از جله معاکه بیرون کشیده میشد در دوره جدید (رنسانس) پیشوایان سعادت بشر مانند جورداوینو برونو ویاویلین و غیره بسوخن در آتش وزبان بریدی محکوم شدند گاله اگر

مایران فردا را چگونه میخواهیم؟

میحخواهیم؟

دلم از صحت زندان سلیمان بگرفت وقت آنست که برسی خبر از بغداد سدحای حب وطن گرچه حدیثی است متین توان مرد سستی که من اینجا زادم اما ما هر گدیچا چنین افسکاری و احساسات شاعرانه نفعواهم شد به بعضی تن در میدهیم و نه ترک ایران می کنیم بلکه ما بیک توده وسیع این سر زمین ایران فردا را بدانشان بنا می کنیم که آن را عزیز بشماریم

رظا اینک اجازه بصدی که مقتضرا بگویم ما بگویم؟

افراد حزب توده ایران از طبقات زیر تشکیل میشود:

۱- سیکست از افراد حزب توده کار-گران ایرانی هستند کبیاورد ناپیروزانه خود زندگانی سخت و ناراحت میکنند اینان میدانند که کارگران در سایر مالک با فداکاری و بزور حق قانونی خویشرا از اربابان شکار دریافت و حیثیت خود را در جامعه تامین کرده اند این دسته کارگران بخوبی میدانند که کارگر ایرانی بیچاره ترین و فقیرترین کارگر در دنیا شامیر و بود هیچ یک از مالک سرمایه داری و ضمنی شیبه

ایرانی پیر شدیم از کار بازماندیم و با جان خود را فدا کرده ایم عزیزان ما بازمانه گان ما گرسنه نمانند و ایران زندگی و تحصیل و تربیت آنان را تامین کند دیگران نیز چنین مزایایی را اگر درس زمین دیگری دارند آجا ر عزیز میشارند و گر نه اگر این مزایا نباشد و زندگی بسختی بگذرد یکی از صبح تا شام جان بکند و زحمت کشیده شب سر بی شام درست بگذارد و دیگری از حاصل دست و پانج او به تمیث و تفریح و تفریط مال به پردازد سر زمین مسکونی را چگونه میتوان وطن خواند و عزیز شرد هر که می تواند جایی وطن می کند و بیجایی نمیرود که با زندگی آسوده و فکر آزاد زیست کند این عقیده و این روش فکر کردن راجع به وطن تا و شو غایتست چنانکه سدی فیلسوف و شاعر بزرگ ایرانی نیز روزی بهمین نتیجه رسیده و فرموده است:

است بنده و سر کار که در جریان یک حیات شرافتمنده فردا با چیزهایی که بریم فراهم با اینچه زحمت کسی مارا نشناسد البته دیگران مخصوصاً آنها تیکه حتی کلمه نخوانند و نوشته انبوابدعاس و وسائل نامشروع بالا بالاها را اشغال کرده اند حق دارند که با یاوزخند میزند و مسخرمان میکنند گفتم از این درد دلها اگر گفته شود منوی هفتاد جلد میشود یا فلا برویم نهارمان را بخوریم ! دانشجوی حقوق - ا ش

زادو بزمن نیرزد و با انگشت با (۱) دنیای را بریش باپ نمی خنداند نیرد آتش نسوخ آقا قوانین چهارموز و شهر بانی های طبقات متناز با آن قوانین و نصیات ادوار قبل قانونی دارند ؟ نه دنیا با خر رسیده و تاریخ هم نایبنا شده است و همان اقتضاعات است که بدست قوای قضائی طبقات ممتاز تکرار میشود تا آنکه دوره وضع قوانین مطابق عدالت واقعی و شع توده بشر برسد هر قدر که این محکمه و لیا سهای رنگارنگ شکا بنظر تان مقدس میاید قانون اعدام سقراط و نصیات مذهبی کاتولیکی هم بنظرشان مقدس بود این جلسه میمانند آن جلسات مضطرب و فبیح روزی موضوع برای صحنه های نمایشات خواهد شد قوه معرک و تغییر قوانین عدلی بزرگ است که بر سر همین نصیات هم نمیتوان مانع از تغییر بود کالی است که تغییر قوانین شرعی در محاکم ایران با وجود این همه نصیات نوجه کیم پس قانون مقدس نیست ؟ فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد عدیت کبید با نظر وسیع و وجدان یک حکمت نماید تا کار تان روزی محکمه نسل آینده نشود حالا بقانونیکه در این جلسه مطرح است توجه نباید هر گاه اقتصاد که پایه جامعه است و قوانین اجتماعی بر پایه ای برسد که نتواند باقی بماند بوسیله انقلاب تحول مییابد محصولات انقلاب که جریان طبیعی تاریخ آنها را ایجاد کرده عقابیت دارد قانون اساسی فعلی ایران محصول یک انقلاب خونین این مدت است که برای تحصیل آن در هر گوشه از خون جوانان وطن لاله بلند شده هزاران نفوس به جهت تحصیل این چند ماده قانون قربانی شد

دفاع گسترارانی در محکمه جنائی تهران

حق که بجزریدایش بشر و اجتماع وی بوجود میآید عبارت است از مجموع اختیارات بگنفر یا بگنفر قانونی (۱) حق بگنفر در مقابل افراد دیگر مفهوم وظیفه را بوجود میآورد عدالت و حقانیت واقعی (۲) عبارت از حفظ آن حقوق وظایف است که بر حسب ساختمان و تکامل طبیعی و منطقی فرنی جامعه بایستی بدانها تلقق گیرد اصلی ترین و اولی ترین آنها عبارت است از حق حیات و آزادی یعنی حقوق و وظایف متناوبه نسبی افراد در مقابل رفیع تولد و استفاده از مصرف وانتظام امر تولید و مصرف و بنابر این عدالت واقعی در حفظ آزادی این حقوق و وظایف میباشد متفکرین بزرگ مانند ارسطو به تضمین این حقوق بوسیله قیامیا و اعتراضات شدید فتوی میبهند قوانین عبارت از فور مول های منبئور و متجبری است که طبقه و وضع آنها ادعا دارد که بیعالت واقعی در قالب آن قوانین صورت عملی داده است چون جامعه ۱- مقصود شخصیت قانونی است ۲- مقصود از عدالت و حقانیت واقعی عدالت و حقانیت مطلق نیست

پنجام و سه نفر

ولی چیزی که در زندان غیر قابل تحمل بود و اگر هر روز هم ساعت هم تکرار میشد، باز درد شدیدی در درون ما ایجاد میکرد تو همین بود و اداره زندان خوب باین محبت بی برده بود و میدانست که فقط از اینها میتوان بدترین مردان روئین تن را نیز از با در آورد. از آنجا مخصوصاً برای تو همین زندانیان سیاسی تربیت میشوند. این رفتار از آنجا باز زندانیان علیه نظامی و اجتماعی نیز داشت. چه کسانی در دوره سیاه آژان میشدند؟ آنهایکه در زندان کانی معمولی هیچ کار دیگری از شان بر نیامد، آنهایکه بکار تن در ندادند. اینها مردمان توسری خورده ای بودند و فشار زندگانی روز بروز آنها را توسری خورتر میکرد از این جهت نداشتند حس انتقامی در دل اینها بر علیه اجتماعی که بدین روششان انداخته بود. ایجاد شده بود و چون قدرت نداشتند که از اجناس انتقام بکشند فردی در دل خود را سر کسانیکه اوضاع و احوال دوره سیاه زیر دست آنها کرده بود، در میآوردند. کلیه این آژانها بدبخت بودند و میخواستند تلانی بدبختی خود را سر کسانیکه خوشبخت بودند، در آورند و قدرت آنرا نداشتند و فقط در رفتار با ما فرصتی بآنها داده شده بود، بدبختی میشوند. چه اغلب اتفاق افتاده است که آژانی در موقع نقیض سلولهای ما، دو تومان میگرفت که شیتی غیر مجازی مثلا کتانی را بنهان کند، بعد مارا لو میداد و کتاب را به صاحبش خودشان میداد و حتی افزایش هم میکرد که از ما رشوه گرفته است فقط اندک قران و اعتراف مینمود. این یک اتفاق منحصر فردی نیست که من اینجا ذکر کردم. آبا این خود دلیل بر بیچارگی و بدبختی آنها نیست.

همه آژانها ناچارند بودند، همه آنها در مقابل پول هر چه ما میخواستیم برای ما میآوردند، و مهینا وقتی کسی گیر مینافتد و چیزی کشف میشد همه آنها میآمدند و با ما توصیه میکردند که آورنده را لو بدیم.

مردمانی از این سنخ با پشتیبانی دستگاه زندان ما توهمین میکردند و توهمین از همان ساعت اول که انشان وارد زندان موقت میشد، آغاز میکردید.

هنوز وارد اطان دفتر زندان نشده، آژانی که مأمور نقیض بدبخت دست میندازد و گراوات آدم را باز میکند، بند سلولوار، گری بند، بند جوراب، مدها، کافز، قلم، ساعت را میگردد خنی گاهی بد نعت انسان را لیس مینکنند. اجرای این دستورات که شاید برای محبوسین غیر سیاسی لازم باشد که چندان زنده نیست، طرز اجرای آن که گویی خدای امر بقریبانی گوشه میبندد؛ زنده است.

شاید ساعت ۲ بعد از ظهر بود که مرا بزندان بردند: باران شدیدی میبارید رئیس سابق زندان که امروز خود بچرم قتل قریب یکسال و نیم است در زندان نشسته، کنار پنجره ایستاده بود. این سرهنگ قاتل با وجودیکه از خویشان دور من است، یا از ترس و یا از لحاظ اینکه میخواست بن توهمین کند و یا قوتی از روی بد جنسی چنان سکر که گویی مرا نشیناسد. در صورتیکه قبلا سکر اتفاق افتاده بود که من این سرهنگ را در خیابان دیده و چون شنیده بودم که نیور تاش و سردار اسعد را او خفه کرده است، از او رو برگردانیده بودم و او مرا صدا زده و بن اظهار ارادت کرده بود. آنروز آن قاتل مرا شناخت. بکسی از مأمورین را صدا زد و چیزی را چوب بین از او پرسید دیگر من یکلی گنج بودم. فقط صدای چک چک کلید ها و بوم خوردن درهای آهنین در نظرم هست که برید چهار بکلی تاریک بود. درها همه بسته بودند. فقط در سلول اولی باز بود و در آن و کلبی کنار میزی نشسته بود مرا بسلول که طرف آشپزخانه بود درند هیچ یادم نیست که یکساعت دو ساعت یا یک نصف روز و یا چند دقیقه در آن سلول بودم، زیرا در باز شد، مرا بسلول رو بروی آن بردند. فرق سلولهای طرف آشپزخانه و طرف حیاط سه گوشه ایست که در آن طرف مستراح ندارد، یعنی زندانی برای رفع احتیاج باید در برنه و آژان اجازه میداد مستراح عمومی که در انتهای کریدر قرار دارد، برود، در صورتیکه در آن طرف یعنی در ردیف سلولهای یکی من در آن بودم، هر سلولی دارای مستراح خاصی است بطوری که گاهی پیش آمد میکنند که زندانیان یکجا تمام از این اطان که عرض آن ۵ یا ۶ طول آن یازده پاست بیرون نیایند. زیلویی آلوده به شیش سطح سنتی آنرا مفروش کرده بود. دیوارهای آن سفید بوده و روی آن با چسب گریبت با ناخن و با میخ و گاهی نیز پیلاده چیز نوشته بودند. یکی دو ساعت، شاید بیشتر و یکبار در راه میرشور س می میگردد با تکرار خود نظم و ترتیبی بهم. اما بیافاده. بالاخره خسته شدم و روی زمین صیانه زدم، خوابم برده در سوراخی داشتم و از بیرون صفا برنجی روی آن انداخته بودند. در باز شد آژانی پرسید: «چیزی میخواستی»

مطب مجانی حزب توده ایران

همه روزه از ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر باز است

آقایان دکتر بهرامی، خاوری، کشاورز، میرسیاسی، وزیر، هشتروندان، یزدی، همه روزه از بیاران در محل کلوب حزب توده ایران خیابان فردوسی پذیرائی میکنند.

آگهی مزایده

وزارت بازرگانی و بیته و هنر بکدستگاه خیابان فلزی ساخت روسیه باهصد کیلویی را بطور مناقصه خریداری مینماید. فروشنده بنگان میتواند پیششاه خودشان را باضمان باصند ریال بر سرده تا اول وقت روز شنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۲۱ بمسفر اداره کل نوغان واقع در خیابان شاه کوچک گودوز تسلیم نمایند. پیششاه ها در ساعت ۱۰ روز شنبه ۲۴ بهمن در اداره کل نوغان مفتوح خواهد شد. حضور پیششاه دهنده گان در جلسه مناقصه آزاد است وزارت درود و قبول پیششاه ها مختار است.

ش ۲۱
ش ۲-۲

آگهی

برای خرید و فروش املاک مزروعی - خانه و مستقالات شهری - مملعات رهنی - مشاوره قضائی - مملعات بانکی - کارهای ثبتی - مقاطعه - ساختمانی بازرگانی نیجات - تلفن ۶۳۶۳ - مراجعه فرمائید

نشانی لاله زار، بازار بهار
ش ۲۸ - ش ۱۵-۲

دفتر وکالت ایرج اسکندری

همه روزه از ساعت ۴ تا ۷ در عمارت نامه رهبر باز است

حاتم طائی در دام ماهیگران برلن

مسکو - طبق اطلاع غیر گراری شوروی روزنامه پروادا چاپ شوروی مقاله ای بعنوان سخنان و مقدماتی علم و اسلاوسکی انتشار داده و طی آن چنین نگاشته است.

برودی ارتش سرخ بصیلات دروغ گوین و حقه بازان آلمانی خاتمه خواهد داد. مینتربها جدیت فوق الکلازه بخرج میدهند که ملتغای دیگر را از خجوات ارتش سرخ بترسانند ولی از اقدامات خودتنبیه بی نیکی کرده آنها مانند دزدان میخوانند اتحاد جماهیر شوروی را هم بطرح همان شقه هائی میکنند که منکر طرح نبود و طبق آن خیال تسلط بر اروپا داشت و متوقف نگردید این دسیسه بازی تازگی ندارد و در اوقات سابق بیشتر تکرار بودی است که از این بیجهتیز بیشترند. ندارد بپوزد در این هنگام که ملتغای که تحت بندگی آلمانیهای مهاجم درآمده اند شاهد عقب نشینی نازی ها هستند و امید وارند که شورویانشان بدست متفقین از زیر بار تبت هیتلر بجا بدر آید.

دسیسه کاران آلمانی که ماسور تبلیغات هیتلری هستند مانند مردمان دغل در بازار مکاره اوران سراسر خندعرا بدست گرفته و میگردداند یا اینکه بی دانند که مردم هوشیار و خردمند گفتار آنان را نمی پذیرند از کار خود دست نیکشند با این حال ساده لوحانی یافت میشوند که استحقاق قریب خوردن را دارند.

آلمانیها یکی از این ساده لوحان را پیدا کرده است. روزی ویسکم و ژانویه روزنامه واشنگتن استار مقاله ای بقلم کنتانتین براون انتشار دادن این نویسنده آدم بلند همت و جوانمردی است وی برای خود نامی تمام اروپا را بر طبق نهاده تقدیم روسیه کرده و مینویسد: اگر هیتلرها شکست بخورند روسها پس از الحاق نوروچ بکشور خود با بلنارستان مرز مشترکی بوجود خواهند

آگهی صاحبان کامیونهای تحت پیمان

کرچه همه از صاحبان کامیون که تحت پیمان ما هستند در ستار اند مع الوصف همه دیگری نیز هستند که لاستیک دریافت نموده که منحصراً برای ماکارکت ولی طفره میروند بدینوسیله ماده ۶۲ آیین نامه واسطه نقلیه را ذیلا آگهی مینماید:

(ماده شصت و دوم) - کلیه صاحبان واسطه نقلیه که برای انجام حوائج و خدمات همین از اداره بازرسی راه باهر بنگاه دیگری که هیئت نظارت واسطه نقلیه اعلام نماید یک یا چند حلقه لاستیک دریافت کرده باشند و بواسطه نقلیه خودیا همان لاستیکها برای دیگران کار کنند از سه تا شش ماه محکوم به حبس خواهند شد.

همچنین صاحبان این قبیل واسطه نقلیه هر گاه در ظرف هفت روز متعاقب انانم کار های همین لاستیک دریافتی را به اداره بازرسی راه بهر عنوان مسترد ندارند یا آنها بنهان کرده یا میبوس سازند از سه ماه تا شش ماه محکوم به حبس و پرداخت دو برابر بهای لاستیک دریافتی خواهند شد.

صاحبان کامیونهاییکه مایل به ادامه کار برای ما هستند یا اینکه میتوانند کار کنند اختطاریشود که در ظرف ۷ روز لاستیکهای دریافتی را مسترد دارند بدینوسیله ده روز مهلت داده میشود که تمام کامیونهای بکار خود مراحت کنند و البته در انصورت مشمول جرائم نخواهند بود. در صورتیکه کامیونهای آنها تحت تعین باشد مراتب را با ذکر محل کامیون گزارش دهند. پس از انقضای مهلت مذکور مجازات قانونی درباره متعطلین اعمال خواهد شد برای اینکه این منظور عملی شود صورت متعطلین بکلیه مأمورین شهریاری و ژاندارمری در تمام نقاط کشور فرستاده خواهد شد.

ش ۳۴ - ش ۳ - ۴

شرکت تجاری ایران و بریطانیا و ک. س. س. اداره بازرسی راه

آگهی

یکباب خانه مشفل بر بیرونی و اندرونی بساحت ۸۰۰ متر واقع در کرچه طباطبائی بفروش میرسد طالین برای توفیقات بیشتری بلادزه روزنامه رهبر رجوع کنند.

ش ۵-۵ - ش ۲۴

آگهی مناقصه

بنگاه راه آهن دولتی ایران ۵۵ قلم لوازم تلفون و تلگراف طبق مشخصات و نمونه موجوده در دایره مناقصه - قسمت کارپردازی و اموال از طریق مناقصه خریداری مینماید.

۱ - پیششاه دهنده گان میتوانند با مراجعه بهادیره بلبرده و دریافت مشخصات و بازدید نمونه پیششاهات خود رانا ساعت ۹ صبح ۲۱/۱۲/۲۵ بدفتر قسمت کارپردازی و اموال بنگاه تسلیم دارند. پیششاهات رسیده ساعت ۱۰ صبح همان روز در جلسه مناقصه بازو خوانده خواهد شد حضور پیششاه دهنده گان در کمیسیون آزاد است.

۲ - پیششاه دهنده گان مکلفند ۵ صدم بهای پیششاههای خود را بعنوان سرده بصدون بنگاه تسلیم نموده و سرده آنها را بپوست پیششاه خود نمایند. پیششاهاتی که قفله سرده باشد ترتیب اثر داده نمیشود.

۳ - بنگاه در و قبول یک یا کلیه پیششاهات مختار است.

ش ۳۷ - ش ۳۶ - ۳۷

بنگاه راه آهن دولتی ایران

آگهی

بنگاه راه آهن دولتی ایران یکتکر مافین نویس مرد که از عهده ماشین فارسی و انگلیسی برآید نیازمند است داوطلبان میتوانند ما در دست داشتن مدارک لازم در ساعات اداری بقسمت کارگزینی بنگاه راه آهن مراجعه نمایند.

ش ۳۶ - ش ۳۶ - ۳۷

بنگاه راه آهن دولتی ایران

آگهی

چون مقامات بهادری کشور عراق مسافری وارد شده از خاک ایران را که از طریق خشکی یا هوا با دریا بریز فراق میرسد در صورت نداشتن گواهی نامه آبله کویری یا داشتن گواهینامه که تاریخ آن کمتر از ۱۲ روز پیشتر از مسال باشد برای مدت مبنی در مرز بقرتین بنگاه میدارند.

لازم است کلیه کسانیکه گواهینامه تازه آبله کویری ندارند عازم کشور عراق هستند دو هفته قبل از عزیت ببهادری شهرستان مربوطه مراجعه و بر ضد آبله مایه کسوی شده و گواهی نامه رسمی دریافت نمایند که در مرز متشکل قیود بهادری نگردد.

مسافرین تهران میتوانند سه روزه در ساعت اداری با اداره آبله کویری مرکز وزارت بهادری مراجعه و پس از مایه کویری و معاینه ثانوی گواهی نامههای مخصوص مسافرت های خارج را دریافت نمایند.

ش ۳۸ - ش ۳۸ - ۳۹

وزیر بهادری

کار گر لازم است

برای کارهای معارفی تعدادی کارگر با سابقه لازم است ضمناً بی سر دوشیزه مبتدی برای دوختن کتاب احتیاج است داوطلبان به کارخانه معارفی بنگاه فنی و بازرگانی هنر سنجابان فردوسی کوچه سام مراجعه نمایند

ش ۲۹ - ش ۲۹ - ۳۰

آگهی

آخرین دفاع دکتراوانی در محکمه جنائی از پروتیه ۵۳ فراسخراج و بچاپ رسیده در اداره روزنامه رهبر و کاشفانه مرکزی خیابان ناصر خسرو بفروش میرسد.

چاپخانه فرهنگ

نشیب و فراز

آخرین تیر

چندی است بعضی از جرابت تهران مثل اینکه با هم قبلا تباری کرده باشند شروع به تیریز از آقای سید ضیاءالدین رئیس الوزرای اسبق ایران نموده اند و حتی برای باز آوردن ایشان با شمارمردوم عارف نیومستول شده اند.

بعضی ایشان را از برزگرترین سایسین دنیا خوانند و برخی اظهار اصلاح کردند که ایشان در طول بیست سال اقامت خویش در اروپا همیشه با مردان بزرگ سیاسی جهان تماس داشته اند و ایمان نیز علو مقام وعظمت آقای سید ضیاءالدین را تصدیق نموده اند. خیلی چیز هائی دیگر هم گفتند و مطابق مسول ملکات مامردک ودلیلی ارائه ندادند. چه باید کرد همیشه در ایران چون خواستند کسی را تخریف کنند او را مرشاعلامی برند و اگر حسنی واقفا داشت باین وسیله خرابش میکنند. من کاری به سابقه آقای سید ضیاءالدین و روزنامه رهبر ندارم. منظورم

طردناری از کسی یا حکومت مصوم نیست. زیرا من وعده زیادی از آقای جوانم مستقیم بکدر یا زود اداره امور این ملکات باید بدست جوانهایی بفتد که از روی یک سیاست صحیح حزبی تگری بحال توده این کشور بنمایند. و با هر حکومتی که آئین روک را نداشته باشد صریحاً مخالفم.

قطر من میل دارم یک نکت را یاد آور بشوم. بعد از جنگ بین الملل اگر ایران دارای یک رژیم دموکراسی میشد وضع مردم این سر زمین این چنین نافر آور ورشک یاز نبود.

کودتای ۱۲۹۹ سبب شد حکومت دیکتاتوری با کیفیتی که دیدیم بر سر کار آمد و با جان ستمال و ناموس ایرانیان آن کرد که دیدیم میادایک بار دیگر هم آقای سید ضیاءالدین به ایران میاید و دیکتاتور دیگری بهدازان جنگ برای ما بجای گذاشته و خود بار سفر را مانند دفعه پیش بهدند و ایران را باز صد سال از قباله تمدن حقیقی دنیا عقب بیاورد.

دکتر فریدون کشاورز

شهرها و غنای زیادی بدست آرتش سرخ میافتد

در کورسک چه خبر بود؟

مسکو - برقرار اظهار خبرگزاری انگلیس اعلامیه نیشب شوروی مضمون بر آنستکه در شمال کورسک سپاهیان شوروی مرکز مهم و استنگاه راه آهن آبروی را که تقریباً در ۴۰ میلی شال کورسک و کنار راه آهن کورسک وارو واقع است نشان نموده. در جنوب کورسک نیز مرکز مهم و استنگاه راه آهن سلاو را که تقریباً در ۴۰ میلی شال کورسک و خارکف و در ۱۰ میلی جنوب کورسک واقع است و چند موضع مسکونی دیگر را اشغال نموده. در بخشهای دیگر سپاهیان شوروی حملات خود را در همان جهات پیشین ادامه داده. اعلامیه تکلیفی شوروی مضمون بر آنست که در ناحیه با تانسک در حومه‌های رستف روسا چهار تانک و ۲ قطار بر از کامیون وتوب از دشمن بکشد. نوبکی از بخشهای جبهه جنوب باختری سپاهیان شوروی ۱ فرودگاه وسی هواپیمای بی افکن دشمن را تصرف نموده در اتای نزدیکه برای تصرف این فرودگاه در گرفت چهار صد تن هینتری بپاک هلاکت افکنده شد و ۱۵ تانک دشمن از کار افتاد و هشت توب و بی نر منهدم گردید. بکوه‌های نزدیک از نیروی شوروی اتوب و پانزده کامیون و یک ایلمهات و یک ایلمهات جنگی از نیروی دشمن بکشد گرفت. در ناحیه گرمانورسکا در جبهه شمال دتتر سپاهیان شوروی پیشرفت خود را ادامه دادید دشمن حمله مقابل سختی با نیروهای عظیم تانک خویش نمود.

حمله متویر روسای سپاهیان شوروی دفع کرده و بدشمن تلفات سنگینی از لفاظ نهرات و مواد جنگی وارد ساخته. در بخش دیگر همان جبهه یکواحد پیاده نظام متویر به دشمن با کمک عمده زیادی

تلفات ژاپنها در

گوادالکانال

توکیو - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس امروز ستاد ارتش ژاپن اعلامیه بی انتشار داد و طی آن اشتهار داشت که نظر باینکه نیروی ژاپن متحرک در گوادالکانال که جزو جزایر سلیمان می باشد مقاصد خود را محقق داشته از اول ماه فوریه نقطه دیگری اعزام گشته است و نیز اعلام گردیده که ژاپنها ناحیه بونا واقع در کتبه جدید را تخلیه کرده اند.

تلفاتی که نیروی ژاپن طی عملیات در گوادالکانال و بونادانه بالغ بر ۱۶۷۴۳ تن بوده که عمده می از آنها کشته شده و عمده دیگر بر اثر بروز بیماری ببلکت رسیده اند. نیروی هوایی ژاپن هم ۱۲۹ هواپیمای از دست داده است.

مونتگمری چه میکند؟

لندن - خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد براری که رادویی آلمان خبر داده ژنرال مونتگمری در صحرای جنوب باختری مشغول تمرکز دادن تانکها و تیروهای متویر به می باشد و یک توب خانه بسیار مهمی تهیه دیده است.

لندن - برقراری خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد - رادویی آلمان دیروز خبر داده است که ناحیه لورین یکی تخلیه خواهد شد.

لندن - خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد براری که رادویی آلمان خبر داده ژنرال مونتگمری در صحرای جنوب باختری مشغول تمرکز دادن تانکها و تیروهای متویر به می باشد و یک توب خانه بسیار مهمی تهیه دیده است.

لندن - برقراری خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد - رادویی آلمان دیروز خبر داده است که ناحیه لورین یکی تخلیه خواهد شد.

شماره ۷۰۱۰
تلفن منزل مدیر رهنما است

در مجلس چه خبر بود؟

(بقیه از صفحه ۱)

بشار میرود بطوری مهیا و آماده برای حرکت در کارهای دولت می باشد که تجربه آنان در اغلب مسواریه مورد استفاده های ذی فیت برای هر دولت می شود.

چون این جانب مقصد که برای تحکیم مبانی حکومت ملی از تجربیات و اطلاعات سوزنده آقایان نمایندگان بایست استفاده شود و همچنین موضوع منطقی برای محرومیت و ذوق انتصاب شدن نمی بیند. و از این لحاظ قانون مصوب در ۱۳۰۶ امتناست با وضعیت حکومت پارلمانی نیاید. لذا ماده واحده زیر را پیشنهاد و تصویب آرا تانها منباید:

ماده واحده - جزه دوم از ماده اول و همچنین ماده دوم قانون مصوب ۲۲ تیر ۱۳۰۶ راجع بصندوقیت وزراء در موقع انتصابات بصندوقیت نمایندگان مجلس در دوره تقنینی ملتی میشود.

نخست وزیر احمد وام

آقای تهرانچی باید اول تکلیف دولت تعیین نمود (عمدهای از نمایندگان - نوریت پس گرفته شود و لایحه به کمیسیون برود)

آقای نخست وزیر خواهش میکنم

طرح مجلس راجع بانتخاب رئیس بانک از دستور خارج شود. (همه و کلا)

آقای نراقی

موضوع صحیح نیست که یک با این طرح مخالفت کند بکشور خیانت کرده است (همه نمایندگان)

آقای نخست وزیر: هر کسی تمجیل کند خطا کرده است.

آقای اعتبار

موضوع بانک شوخی نیست - خیانت یعنی چه

آقای اعتبار

نظراً کثرت شوخی نیست

آقای اعتبار

بایستی بیشتر از این در این باره غور شود

آقای نخست وزیر

نظراً کثرت محترم است لیکن عهده دارم که بیشتر مطالبه شود اینست نامه دکتر میسوی

آقای رئیس

آقایان اجازه فرمایید ببدأ مطرح شود و صلاح لایحه پشتوانه اسکناس مطرح شود (صحیح است)

لایحه پشتوانه
در اینصورت لایحه پشتوانه اسکناس مطرح و شرح زیر خوانده شد:

ماده واحده - ماده دوم قانون ۲۲ اسفند ۱۳۱۰ باین طریق اصلاح میشود:

ماده ۲۰ - بصورت حفاظت پشتوانه اسکناس تا اعاده اوضاع اقتصادی پرداخت زروسیم مسکوک و غیر مسکوک و جواهرات در مقابل اسکناسهای منتشر منوع است.

تصویه - هر گونه نقل و انتقال و تبدیل و تعویض و فروش زر و سیم و مسکوک و غیر مسکوک و جواهرات پشتوانه اسکناس موجود در کشور منوع است.

آقای نخست وزیر: بنده با حذف تصویه موافقم

آقای تهرانچی: لین جا مصطلح است و ما آزادیم. عقیده بنده ذخیره مسکوک و پشتوانه اسکناس بایستی منوع باشد و مسکوک خارجی هم که داریم نباید به تبدیل و تعویض یا فروش رود و هر عملی بر خلاف آن به مصلحت کشور نیست.

آقای نخست وزیر: برخلاف نظریه شما (غضب آقای تهرانچی) بیانات من ثابت تشخیص افکار نیست لیاقت و شایستگی من از شما زیادت است.

آقای موداحدی: صلاح نبود اصولاً این مطالب در روزنامه نشر یابد.

آقای امیر تیمور: اگر میخواهند شش یاور بنده یاورند این هم صلاح متفقین و هم صلاح ماست لیکن اگر چیزی به تمیض استیضاح میکنیم

آقای نخست وزیر: مشورت بانتمن ضرور است و تا ایام از استیضاح می ترسانید.

آقای دشتی: اگر آقایان موافق باشند یک وجه صحیح که جمع بین نظر

جنگ کونی

(بقیه از صفحه ۱)

دیگر اقتصاد زاینده سیاست است - جنگ بزرگ بود و از نظر و اوقات اقتصادی میگردد.

چطور - سیستم کسوفی اقتصاد که در آن تضادهای جبری موجود است از یکطرف مبارزه را میان طبقات مختلف آتش جنگ را بطور متناوب میان طبقات ذی نفع کشورهای گوناگون مشتعل سازد مبارزات داخلی اجتماع اغلب جنبه سیاسی داشته و گاهی بصورت یک انقلاب بزرگ در میآید که فرم اجتماعی فعلی را از بیخ و بن برمی کند و جنگهای متناوب نیز بنبوه خود در فرم اجتماعی دنیامون است تا روزیکه مسئله اقتصاد بکلی حل شود. و تضاد در آن وجود نداشته باشد البته از آنوقت بیده مبارزه بشر با عوامل رژیم کونی که در اکثر مسالک جهان حکمفرماست و آنرا رژیم سرما دار می نامند در خود تضادهای غیر قابل اجتنابی پرورده است.

تضادین سرمایه و کار

بسی مسئله تولید بیش از پیش روی اصل تقسیم کار در اجتماع استوار شده در صورتیکه مسئله سرمایه و زور محض می بود خود در از دست داده است.

سرمایه که همان مجموع کارهای منطوری است که سرمایه دار از بازاری کارگر گرفته در عوض آن مودی بوی پرداخته است با کارگر که متقاضی توله سرمایه می باشد

ذاتاً در تیره است و سعی میکند که هر پیچیده این تضاد را با تحولات بطنی و سرخ نکشاید.

تضاد ما بین سرمایه داران

تضاد ما بین سرمایه داران داخلی که در آن رقابت آزاد که شرط اساسی حکومتها می بود گراسی سرمایه داری است سعی میکند بسیاری از سرمایه دارانیکه در این رقابت شکست خورده اند بصرف و جبران مشاغل کند و نتیجه آن خواهد شد که تمرکز سرمایه در دست عمده ای معدود تر عمل می گردد و پیش از پیش اجتماع بدو صف کاملتر از این مایه کمال مخالف تقسیم می شود و بدون شک این تضاد روزی باغلاقات داخلی منجر خواهد شد.

۳ - تضاد بین سرمایه داران مالک مختلف برای تحصیل بازارهای تجاری جهانی و منابع توله ثروت. نو تضاد اولی مبارزات داخلی و اجتماع را موجب میشود در صورتیکه تضاد دومی باعث جنگهای امپریالیستی میگردد پس این جنگها که خاستگاه دفر مرسودگی رژیم سرمایه داری است فقط بصورت تقسیم منابع دنیا در دست عمده ای از سرمایه داران بین المللی است.

حال فزاینده یک علت جنگ اختلافات خشک شخصی چند فر زمامدار نیست بلکه علتش عدم حل مسئله اقتصاد است و تا این موضوع حل نشود از لحاظ علمی جنگ همیشه خواهد بود و سلاهای صلح فقط راحت باشی بین دو جنگ بزرگ و بزرگتر است.

جنگ کونی چگونه پایان خواهد یافت

اکنون جای هیچگونه تردیدی نیست که رژیم اقتصادی نامبرده دوره احتضار خود را در دویم ترین ادوار خویش می پیماید. امروز روزیست که مسائل خرنج دولت و مجلس باشد اینست که پشتوانه اسکناس بیچوجه دست نطورد منتهی اگر مصلحت دیدند که شش طلا بقرنه و جای مسکوک بگذارند مفید است.

آقای انوار: استدلال آقای تهرانچی کاملاً منطقی است.

آقای قزاق: تصویه از نظر فتن پیشنهاد نشد. خواستم تذکر دم هم مردم بدانند که فرمولای اعتبار بانکی بجای خود منسوخ است.

آقای اعتبار: خوبست بجمله آینه موکل شود (صحیح است)

جلسه آینده روز یکشنبه ۲۴ بهمن ماه قبل از ظهر

اخبار کشور

(بقیه از صفحه ۱)

تحویل بیه باکارخانه گلیسرین
طبق بیان منتهه قرار است روزانه ششصد کیلو بیه از قرار هر کیلو پنج ریال باکارخانه گلیسرین تحویل شوند. امروز این کارخانه گشایشی حاصل شود و از قرار معلوم در نظر است صاحبون هم عیره بندی شود.

تلفات از مشهد

خیابان رفانیل نامه رهنما انتشار نامه عزیز رهنما معانی کارگران را بوجد آورد کامیابی آن نامه را خواهانیم خورای ایالتی اتحادیه کارگران خراسان

ما از علاقه واحسانی که کارگران ایران نسبت بروزنامه رهبران را می دارند بی نهایت متشکریم و امید واریم در سایه معاهدت ومساعدت کلیه زمستان ایران بتوانیم بصورت مشترک کمک نامیم «رهبر»

تلفات از مشهد

خیابان زاله توسط آقای سلیمان محسن اسکندری صکته مرکزی حزب توده ایران رونوشت نامه رهبر انتشار نامه آزادی خواه رهبر مایه صریح اصضاح حزب گردید بکامیابی رفقا تبریک میگویم کتبه ایالتی خراسان

کارکنان روز نامه رهبر از ابراز علاقه رفقای خراسان تشکر میکنند و بنا بکدنیا شوق انتظار دارنم بزودی روزنامه وارکان کتبه ایالتی خراسان منتشر گردد.

اقتصادی منطقی برای صلح ناپایدار باقی

اقتصادی منطقی برای صلح ناپایدار باقی نگذاشته و اجتماع کونی و مشتجن از لحاظ جبر نسلی می خواهد خود را از قیود بوسیده گذشته نجات دهد و راهی برای خوش بظرف تکامل باز کند.

امپریالیسم که آخرین مرحله تکاملی سرمایه داری است امروز در مقابل یک جبر تاریخی که عبارت از سقوط آن باشد قرار گرفته و ملایضیف و مستعربه و تحقیر خود را برای رهایی از چنگال استثمار حاضر و مهیا می کند و بدون شک هیچ قوه ای را برای مقاومت با این سیر جبری تاریخ نیست.

جور و مد جبهه های جنگ هر چه باشد باز این عمل حتی است زیرا مادر نوره ای زندگی می کنیم که شرایط امروز با شرایط دوره های قبل یکی تفاوت است سعی در نگهداشتن وضعیت فعلی مانند است که انسان آب را در معاوورت عمده درجه حرارت قرار دهد و سعی کند که آن آب تبخیر نشود.

جهانگیران ادوایی هرگز نمی توانند بجای جهانگشایی دنیای را با آتش جنگ میوزاندن از این موضوع بیخبرند لیکن مایه های آینده درس عبرتی برای آنها آنان فکر میکنند.

تأثیرات جنگ

اصل معروف «تعیین سرنوشت توده ها در دست خویش» با معنی خفنی خود هدف کلی زجر دیدگان دنیاست و این اصل چیزی نیست که زمامداری یا فردی بتواند عهده بدینا داده باشد یا آنکه آنکه خواهد شد. بلکه سیر اجتماع پس از این جنگ با نیابت شدت این اصل را علمی میسازد.

از طرف دیگر در داخل اجتماعات تضاد بین سرمایه و کار نیز در شرف از بین رفتن قطعی است زیرا اکنون در داخل اجتماعات « جلو افتاده » طبقات مختلف بالطبع بعدی از هم تیز داده میشوند که هیچ رویش عوام فریانه ای این شدت اختلاف را که بدون شک منتج بیاباره قطعی میگردد نتوانند بوشیده نگاهدارند.

ایران ما نیز خواه ناخواه از بس دنیای جلو افتاده در حرکت است و جنگ کونی بدون شک در این کشور نیز تأثیر خود را خواهد داشت. پس بروم و با سیر تکاملی اجتماع کمک کنیم

دالان بین المللی

(بقیه از صفحه ۱)

قسی از زندگی نراز و نشیب دار خود را در این محیطی خواهد کردت افسران استرالیایی کالجیامه استند که از دست کودکان روزنامه فروش ایرانی جمله استیرولدن نیز خواهند خرید - ایرانیها کجا میروند میگردد که روزی خیابان اسلامبول و نادری آنها چنین رنگ بین المللی بود بگردن زبانه های اردو بلستانی و لجه های امریکایی و استرالیایی در این فضا شنیده شود البته اگر کسی بعواذت سیاسی می اندیشد اینبار نیز بیاد می آورد ولی کثیر کسی تا اینجا ها حوصله حساب کردن داشت

اینهاتک از مزه مزه ها کارخانه ها و دکانهای خود به سربازخانه فرار کرده شده از آنها با کشتن و راه آهن هاپاران فرستاده شدند و در تهران جمع آمدند - کاری که بکفرن پیش تقریباً امکان پذیر نبود زیرا اختراعات بشری تا این اندازه قطعات عالم را بهم ربوط نساخته بود بیکر ن پیش بینی مثلا در ۱۸۴۳ در ایران احدی از بحران انقلابی فرانسه آگاهی نداشت کسی چه چندان در محمود نام و بیکوریا ملکه انگلستان رادر ایران نشنیده بود حتی اکثریت نزدیک به تمام ایرانیها از جنگ عظیم گردیده تقریباً ده سال به رخ داد با غر نشنیده تازه

نخستین سیر «بنکی دنیا»

نخستین سیر «بنکی دنیا» سر زمین تاریخی ایران را دیده میگردد و یادداشت های خود را در باره این ملت با تحب و کجکاوی تمام می نگاشت. ولی در عرض بکفرن دنیابوضع شگفتی دگرگون شد امروزن و یک دهقان استرالیایی - یک سیاه لویزیان یک کارگر ماساچوست یک کولوزونیک فریزر در یک امر واحد بر یکم برای یک کار نکا بو می کنیم راه آهن کشور من در سرنوشت آنها تأثیر دارد طرز متکره هوشان من مورد علاقه آنهاست آنها جزیات زندگی ایرانی را نمی تواند باقی بماند تلقی کنند پس امروز دنیا دیگر مجموعه از قاره های دور دست کشور های برانگنده ملیها غیر مرتبط و پندنها جدا و مستقل نیستند بیهم متصل شده و می شود روبه روی هم شکلی یگانگی و بیوستگی می رود به چیز خنجر آراه و افکار - روشن سرتین - طرق انبیشین دارد

نخستین سیر «بنکی دنیا»

نخستین سیر «بنکی دنیا» سر زمین تاریخی ایران را دیده میگردد و یادداشت های خود را در باره این ملت با تحب و کجکاوی تمام می نگاشت. ولی در عرض بکفرن دنیابوضع شگفتی دگرگون شد امروزن و یک دهقان استرالیایی - یک سیاه لویزیان یک کارگر ماساچوست یک کولوزونیک فریزر در یک امر واحد بر یکم برای یک کار نکا بو می کنیم راه آهن کشور من در سرنوشت آنها تأثیر دارد طرز متکره هوشان من مورد علاقه آنهاست آنها جزیات زندگی ایرانی را نمی تواند باقی بماند تلقی کنند پس امروز دنیا دیگر مجموعه از قاره های دور دست کشور های برانگنده ملیها غیر مرتبط و پندنها جدا و مستقل نیستند بیهم متصل شده و می شود روبه روی هم شکلی یگانگی و بیوستگی می رود به چیز خنجر آراه و افکار - روشن سرتین - طرق انبیشین دارد